

منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران

مقدمه

دکتر کیهان برزگر\*

جایگاه منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران چیست؟ دیدگاه های غالب در ایران اساساً تمرکز بر منطقه گرایی به خصوص بر خاورمیانه عربی را به دلیل وجود ساخت متفاوت قدرت و سیاست و همچنین تفاوت های ساختاری فرهنگی - اجتماعی بین ایران و کشورهای منطقه امری مشکل و بدون فایده می بینند. نویسنده ضمن اینکه منطق چنین بحث هایی را می پذیرد معتقد است که تقویت چنین طرز تفکری، سیاست خارجی ایران را منفعل کرده و به تبع جایگاه منطقه ای و جهانی آن را در بلندمدت تضعیف می کند. از نظر نویسنده منطقه خاورمیانه، بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و تحولات بعد از بحران سال ۲۰۰۳ عراق، در حال انتقال به نظم جدید سیاسی - امنیتی است که در آن تمامی بازیگران مهم منطقه ای در حال رقابت برای تثبیت " نقش های جدید " خود در منطقه هستند. ایران نیز به عنوان یک قدرت نوظهور منطقه ای و جهانی برای تثبیت نقش خود نیاز به تقویت همکاری و گسترش تبادلات در سطح منطقه ای، تعامل با ملت ها و ایجاد ائتلاف های جدید در سطح دولت ها دارد. به عبارت دیگر، حضور فعال ایران در مسائل منطقه ای، ضمن تثبیت نقش های سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایران در منطقه، اهمیت استراتژیک ایران را در صحنه نظام بین الملل نیز افزایش می دهد.

برای تحقق این امر، نویسنده ضمن تأکید بر اهمیت تقویت منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران، مفهوم ایجاد " تعادل " در رویکردهای مختلف جغرافیایی - ژئوپلیتیک، تاریخی - تمدنی و سیاسی - امنیتی در جهت گیری های سیاست خارجی ایران و همچنین تعادل در برقراری روابط با مناطق جغرافیایی و زیر سیستم های مختلف منطقه ای را مطرح می کند و معتقد است که نقطه تأمین منافع و امنیت ملی ایران در توجه و لحاظ کردن همزمان به این رویکردها و مناطق ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران است. نویسنده ضمن بهره گیری از نظریه های انتقادی موجود سعی می کند تا با بازتعریف مؤلفه های جدید قدرت ملی در سیاست خارجی ایران، منطق تمرکز و تقویت منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران را به آزمون بگذارد. ارائه چنین بحثی در حوزه سیاست گذاری خارجی ایران حائز اهمیت زیادی است. در طی دهه های گذشته عدم تمرکز بر منطقه گرایی و منفعل بودن در حوزه سیاست خارجی در سطح منطقه، زیان های جبران ناپذیری بر امنیت و منافع ملی ایران از جمله روی کار آمدن طالبان و جنگ داخلی در افغانستان و همچنین از دست دادن فرصت های اقتصادی و سیاسی - امنیتی در منطقه و ظهور چالش های جدید امنیتی از ناحیه قدرت های بزرگ خارجی را در پی داشته است. در مقابل تمرکز بر منطقه گرایی و گسترش تعاملات در قالب اتحادها و ائتلاف های سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اقتصادی با ملت ها و دولت ها ی منطقه ضمن اینکه زمینه های فرصت سازی برای ایفای نقش و نفوذ اقتصادی و سیاسی - امنیتی ایران را

\* استادیار روابط بین الملل دانشگاه علوم و تحقیقات و معاون امور بین الملل مرکز مطالعات خاورمیانه

در منطقه فراهم می کند، از خطرات احتمالی امنیتی در آینده پیشگیری کرده و نهایتاً قدرت بازیگری ایران را در سطح روابط با قدرت های بزرگ به خصوص آمریکا افزایش می دهد .

## ۱. چارچوب مفهومی - تاریخی و نظری منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران

### الف) چارچوب مفهومی - تاریخی

موقعیت تاریخی - تمدنی ، ژئوپلتیک و سیاسی - امنیتی ایران در نظام امنیت منطقه ای و بین المللی به گونه ای است که اتخاذ رویکردهای مختلفی را در عملیاتی کردن سیاست خارجی ایران اجتناب ناپذیر می سازد . سه رویکرد اصلی در منطقه گرایی سیاست خارجی ایران عبارتند از : رویکرد جغرافیایی و ژئوپلتیک ؛ رویکرد فرهنگی - تاریخی و رویکرد ایدئولوژیک و سیاسی - امنیتی . در طول دهه های گذشته ، سیاست خارجی ایران چالشی را در ایجاد تعادل بین این سه رویکرد داشته است که به نوعی می توان از آن به عنوان چالش های نظری تمرکز بر زیر سیستم های مختلف منطقه ای در خاورمیانه عربی ، آسیای مرکزی و قفقاز ، خلیج فارس و آسیای جنوبی نام برد . همچنین چنین تضادی می تواند به عنوان چالش بین منطقه گرایی و جهان گرایی در جهت دهی روابط منطقه ای و سیاست خارجی ایران تعبیر گردد . بعضی از صاحب نظران مطالعات سیاست خارجی چالش اصلی سیاست خارجی ایران را ایجاد تعادل بین دو عنصر ژئوپلتیک و ایدئولوژی می دانند <sup>۱</sup> که در طول تاریخ ایران وجود داشته و در زمان انقلاب اسلامی ایران به اوج خود رسیده است . با فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای جدید در آسیای مرکزی و قفقاز در اوایل دهه ۱۹۹۰ ، بعضی دیگر از صاحب نظران صحبت از ضرورت تمرکز بر رویکرد تاریخی - تمدنی در جهت گیری سیاست خارجی ایران کردند .<sup>۲</sup>

توجه به منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران نقاط عطف متفاوتی داشته است . نخست ، در دوران رژیم گذشته ای ایران اعتقاد چندانی به تمرکز بر منطقه گرایی وجود نداشت و لذا نقش سیاسی - امنیتی و حتی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه ، به خصوص خاورمیانه عربی به صورت حاشیه ای تعریف می شد . بر این اساس ، ورود ایران به مسائل سیاسی و ایدئولوژیک خاورمیانه با محوریت صلح اعراب و اسرائیل و اصولاً مسائل عربی و اسلامی ، ایران را وارد موضوعاتی می کرد که از لحاظ منافع ملی و استراتژیک ربطی به ایران نداشت و تنها تنش های غیر ضروری وارد سیاست خارجی ایران می کرد . از سوی دیگر در آن زمان شوروی قدرت مسلط بر آسیای مرکزی ، قفقاز و افغانستان بود و لذا ایران توانایی عملیاتی کردن رویکرد فرهنگی - تاریخی در حوزه های تمدنی خود در سیاست خارجی نداشت . نهایتاً رژیم شاه اعتقادی به عملیاتی کردن نقش مذهب و ایدئولوژی در جهت گیری سیاست خارجی ایران نداشت .<sup>۳</sup> بنابراین در آن زمان تمرکز اصلی در سیاست خارجی ایران بر رویکرد جغرافیایی و ژئوپلتیک بود . منطقه خلیج فارس نیز مرکز حضور فعال سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایران به حساب می آمد .

دوم ، بروز انقلاب اسلامی ایران است که به نوعی نقطه عطفی در تمرکز بر منطقه گرایی با تقویت رویکرد ایدئولوژیک در سیاست خارجی ایران به حساب می آید . ماهیت انقلاب اسلامی به گونه ای بود که تمرکز بر ایدئولوژی

شیعی و به تبع اتصال ایران به مسائل جهان عرب و اسلام را اجتناب ناپذیر می‌کرد. برخلاف گذشته، تمرکز بر مسائل منطقه ای نوعی قوت در سیاست خارجی ایران به حساب آمد. مسائل اصلی خاورمیانه از جمله صلح اعراب و اسراییل و مبارزه با استکبار و به تبع مبارزه با حکومت های عربی وابسته به قدرت های بزرگ، دو موضوعی بودند که جمهوری اسلامی ایران را مستقیماً به مسائل منطقه وصل می‌کرد. در این زمان نقش ایران از حالت حاشیه ای خارج و به عنوان فعال ترین بازیگر منطقه ای با شکل جدید مطرح گردید. البته همزمان با پایان جنگ ایران و عراق تمرکز بر رویکرد توسعه ای و اقتصادی در سیاست خارجی ایران رفته رفته مطرح گردید.

سوم، فروپاشی شوروی است که نقطه عطف دیگری از لحاظ تمرکز بر رویکرد تمدنی - فرهنگی و تاریخی در سیاست خارجی ایران به حساب می‌آید. ظهور کشورهای تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی و قفقاز که از لحاظ تمدنی - تاریخی و همچنین فرهنگ اسلامی به نوعی به ایران و خاورمیانه وصل می‌شدند، شرایطی فراهم کرد تا ایران نگاه به مناطق شمالی و شرقی را برای اولین بار در اولویت سیاست خارجی خود قرار بدهد. در سرتاسر دهه ۱۹۹۰ صاحب نظران مطالعات سیاست خارجی ایران مشغول بحث و بررسی راه های نزدیکی ایران با کشورهای این منطقه و به طور کلی ضرورت حضور فعال ایران در این مناطق بودند. تمرکز سیاست خارجی ایران بر این مناطق در این دوران دور جدیدی از رقابت های اقتصادی، سیاسی - امنیتی و فرهنگی را بین ایران و بازیگران منطقه ای و مهم دیگر همچون روسیه و ترکیه در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز فراهم کرده و به همان اندازه نقش این بازیگران را در سیاست خارجی و منافع ملی ایران بازتعریف کرد.<sup>۴</sup>

نهایتاً، نقطه عطف چهارم در منطقه گرایی مربوط به حوادث ۱۱ سپتامبر و بحران عراق در سال ۲۰۰۳ می‌شود که به نوعی تمرکز بر رویکرد سیاسی - امنیتی را در سیاست خارجی ایران تقویت کرد. حضور نیروهای آمریکایی در عراق و خطرات ناشی از آن برای امنیت و منافع ملی ایران و همچنین شکل گیری نظم جدید سیاسی - امنیتی در عراق با تقویت نقش شیعیان و کردها در ساخت قدرت و سیاست این کشور، نیاز به تمرکز بر ائتلاف ها با احزاب سیاسی و دولت های دوست در منطقه را اجتناب ناپذیر کرد. تحولات سیاسی - امنیتی عراق به نوعی بر نظم سیاسی - امنیتی موجود در جهان عرب و به خصوص منطقه خلیج فارس تأثیر گذاشته و حضور فعال ایران در مسائل منطقه ای را ضرورت بخشیده است. حضور فعال ایران در شرایط جدید برای " تثبیت نقش های سیاسی - امنیتی " در دوران انتقالی خاورمیانه به نظم جدید صورت پذیرفت.<sup>۵</sup> بنابراین تمرکز بر سه رویکرد جغرافیایی و ژئوپلتیک، تمدنی - تاریخی و سیاسی - امنیتی همواره زمینه های مفهومی و نظری ویژه ای در سیاست خارجی ایران دارد.

ب. دیدگاه های نظری موجود در زمینه منطقه گرایی

دیدگاه‌های مختلف انتقادی در ایران معتقدند که اساساً ساخت قدرت، سیاست و فرهنگ در ایران به گونه‌ای است که هرگونه تمرکز بر منطقه‌گرایی در حوزه‌ی سیاست خارجی را به عنوان یک راهبرد ناموفق و بدون فایده مطرح می‌سازد. از مهمترین این دیدگاه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### نخست: عدم تحقق ائتلاف با کشورهای منطقه

نظریه "عدم امکان ائتلاف" معتقد است که اصولاً ساخت قدرت و سیاست در ایران همچون ماهیت ایدئولوژیک نظام و همچنین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی از جمله دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادیبخش از یک سو و ماهیت و ویژگی‌های ساخت قدرت و سیاست در منطقه و جهان عرب از سوی دیگر به گونه‌ای است که هرگونه زمینه‌ی ائتلاف و همکاری در سطح منطقه و جهان عرب را ناممکن می‌سازد. از این دیدگاه "ایران به عنوان یک کشور شیعه بامحدوده‌ی مرزی سنی نشین و با گذشته باستانی مبتنی بر ایرانیت و همین‌طور به عنوان یک کشور مبتکر و پیشرو اندیشه سیاسی، نسبت به همسایگان خود بسیار ممتاز است."<sup>۶</sup> همچنین ویژگی‌های سیستم‌های اقتصادی و فرهنگی ایران با همسایگان شمالی و شرقی نیز متفاوت است و اساساً این کشورها نمی‌توانند همدیگر را تکمیل کنند لذا ایران با این کشورها نمی‌تواند وارد ائتلاف و همگرایی شود. به واسطه‌ی این تفاوت‌های اساسی، "ایران چه از ناحیه‌ی جنوب با اعراب، چه از ناحیه‌ی شمال با ترک‌ها و چه از طرف شرق با هند و پاکستان نتوانسته ائتلاف کند و همیشه خاص مانده و رفتار کرده است."<sup>۷</sup>

### دوم: نظریه جهانی‌گرایی و اهمیت تکنولوژیک غرب

نظریه "جهان‌گرایی" که اساساً منتقد تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران است معتقد است که ایران در روند جهانی شدن و توسعه در درجه اول نیازمند به گسترش و توسعه روابط با مرکز تولید علم و ثروت جهان یعنی کشورهای غربی است. از این لحاظ ائتلاف‌های منطقه‌ای و ورود ایران به حوزه‌های سیاسی - امنیتی منطقه و مسائل حساس خاورمیانه از جمله مسئله اعراب و اسرائیل، روابط ایران با غرب را وارد پیچیدگی‌های خاصی می‌کند که در نهایت روند توسعه در ایران را دچار اشکال می‌سازد. یکی از طرفداران این نظریه معتقد است که مهمترین موضوع نظری در سیاست خارجی ایران در منطقه قاعده‌مند نبودن روابط ایران با جهان غرب است.<sup>۸</sup> بر اساس این دیدگاه "جمهوری اسلامی ایران برای تسهیل در دستیابی به اهداف کلان خود از جمله توسعه اقتصادی و ایفای نقش فعال در منطقه به برقراری رابطه‌ی منطقی با قدرت‌های بزرگ به خصوص آمریکا نیازمند می‌باشد."<sup>۹</sup> همچنین منبع اصلی قدرت در سطح جهانی نزد غرب است و بسیاری از مشکلات ایران با همسایگان نیز ناشی از فقدان روابط قاعده‌مند با غرب است.<sup>۱۰</sup> این دیدگاه جهانی شدن را یک روند می‌داند که به ناچار، تمامی کشورهای جهان از جمله ایران دیر یا زود باید با آن همراه شوند.<sup>۱۱</sup>

### سوم: تضاد فرهنگی و اجتماعی و تنها بودن ایران در منطقه

نهایتاً نظریه "شکاف فرهنگی - اجتماعی" است که معتقد به وجود شکاف های عمیق در ساختار فرهنگی - اجتماعی و تاریخی در مناسبات ایران و کشورهای همسایه عرب است که هر گونه زمینه‌ی توسعه و تداوم همکاری‌ها در حوزه های سیاسی - امنیتی و اقتصادی را دشوار می سازد. از این دیدگاه، ایران با هیچ‌یک از کشورهای عربی روابط قابل اتکایی نداشته و دوران پس از انقلاب اسلامی پر آشوب ترین روابط خارجی ایران با دنیای عرب بوده و هنوز بسیاری از بدبینی‌ها و تصورات گذشته وجود دارد که مانع از همکاری و نزدیکی بین این دو طرف می شود.<sup>۱۲</sup> همچنین از این دیدگاه ایران هم به لحاظ قومی، هم از حیث مذهبی و هم از لحاظ سیاسی با اعراب احساس بیگانگی می کند و بحران مشروعیت و امنیت در دنیای عرب به این شکاف سیاسی - فرهنگی دامن زده است. در مقابل اعراب نیز به ایران حداقل به عنوان یک همسایه‌ی نامطمئن و در مورد بعضی از دول عربی به عنوان دشمن می نگرند.<sup>۱۳</sup> بنابراین وجود چنین شکاف های ساختاری و فرهنگی مانع از نزدیکی دو طرف و تمرکز بر منطقه گرایی در سیاست خارجی می شود.

بی تردید نگاه بدبینانه به تقویت منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران با توجه به زمینه‌های نظری توسعه یافتگی و شکاف های اجتماعی - سیاسی و تاریخی و سابقه‌ی بی اعتمادی موجود بین دو طرف، دارای منطق صحیح و قانع کننده‌ای می باشد. اما از نظر نویسندگان تداوم و تقویت و عملیاتی کردن چنین خط فکری، منجر به منفعل کردن سیاست خارجی و نادیده گرفتن نقش و مؤلفه‌های ملی قدرت ایران در سطوح منطقه ای و جهانی می شود؛ امری که می تواند در بلند مدت به از دست رفتن زمینه‌های نفوذ، نقش و قدرت منطقه‌ای ایران منجر شود.

## ۲. مؤلفه های منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران

همزمان با حوادث ۱۱ سپتامبر و بخصوص تحولات سیاسی - امنیتی پس از بحران عراق در سال ۲۰۰۳، نقش و موقعیت بازیگری ایران در سطح منطقه افزایش یافته است. چنین وضعیتی نه تنها می تواند باعث توسعه‌ی روابط با کشورهای منطقه شود؛ بلکه فرصتی مناسب برای حل مشکلات استراتژیک ایران با آمریکا می باشد. افزایش نقش منطقه ای ایران نه صرفاً مبتنی بر مؤلفه سنتی "ژئوپلیتیک" خاص ایران است که این کشور را به عنوان مرکز زیرسیستم‌های مختلف خاورمیانه بزرگ همچون آسیای مرکزی و قفقاز، افغانستان و پاکستان، خلیج فارس، عراق و خاورمیانه عربی در نظر می گیرد و عمدتاً نگاهی فرهنگی - تاریخی و توسعه ای - اقتصادی به ضرورت منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران دارد؛ بلکه با توجه به ورود مؤلفه‌های جدید تأثیرگذار در سیاست خارجی ایران، عمدتاً با محوریت نگاه امنیتی - سیاسی و استراتژیک قرار دارد که مبتنی بر اهمیت یافتن تروریسم القاعده‌ای و خطر گسترش تسلیحات جمعی و ژئوپلیتیک هسته‌ای در منطقه است که عمدتاً حائز اهمیت و ارزش بین‌المللی بیشتری بعد از حوادث اخیر شده‌اند.<sup>۱۴</sup>

ترکیب سه رویکرد فرهنگی - تاریخی، توسعه ای - ژئوپلیتیک و امنیتی - سیاسی و عملیاتی کردن آن‌ها در سیاست خارجی با هدف افزایش نقش منطقه‌ای ایران، منطق تمرکز منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران را تقویت می کند. سه مؤلفه‌ی تأثیرگذار قدرت ملی در مورد تقویت منطقه گرایی در راهبرد سیاست خارجی ایران حائز اهمیت می باشند:

## نخست: دولت ملی قوی

ایران یک دولت ملی (Nation-state) قوی دارد و این مؤلفه ویژگی و جایگاه خاصی به ایران در منطقه می دهد. ایران بخش مهمی از تمدن خاورمیانه است که آن را به تمدن جهانی وصل می کند. سابقه حضور تاریخی - فرهنگی ایران در منطقه بی نظیر است. یکپارچگی ارضی، مصمم و مستقل بودن و تلاش دائم برای پیشرفت و توسعه بخشی از ویژگی-های مهم دولت ایرانی است. به دلیل وجود همین ویژگیها، دولت ایرانی توانسته در طول تاریخ گذشته و حال، استقلال خود را حفظ کند. همزمان ایران توانسته است ارتباطات تاریخی، فرهنگی و سیاسی خود را با ملت‌ها و دولت‌های منطقه به خصوص محیط اطراف خود حفظ کند و از این لحاظ نگاه بسیاری از ملت‌ها و دولت‌های منطقه از جمله، افغانستان، آذربایجان و عراق به ایران توأم با احترام است. حتی دولت‌های رقیب تاریخی ایران همچون ترکیه و روسیه نیز به دلیل این ویژگی‌ها به ایران توأم با احترام می نگرند.

در منطقه به استثناء ترکیه و روسیه، هیچ کشور دیگری چنین ویژگی را ندارد. برای نمونه دو همسایه شرقی ایران، افغانستان و پاکستان دارای چنین موقعیتی نیستند. در افغانستان هر چند به طور تاریخی ملت قوی و یکپارچه است، اما دولت ضعیف می‌باشد و همین امر، سبب جنگ‌های طولانی داخلی در این کشور شده است. در مقابل در پاکستان، دولت قوی و ملت ضعیف است، یا در عراق یکپارچگی ملت و قدرت دولت با تحولات جدید مورد تردید جدی قرار گرفته است. در حوزه خلیج فارس نیز اساساً مشروعیت دولت‌ها زیر سؤال جدی است و مفهومی به نام ملت در این حوزه در مراحل آغازین شکل‌گیری خود قرار دارد. در این میان ایران با دارا بودن یک دولت ملی قوی به راستی یک استثناء به حساب می آید. چنین مؤلفه‌ای می تواند با تمرکز بر نگاه منطقه‌گرایی در سیاست خارجی در خدمت گسترش تعاملات، ایجاد اتحادها و ائتلاف‌ها در سطح روابط ایران با دولت‌ها و ملت‌های منطقه‌ای قرار گیرد.

## دوم: هویت ژئوپلیتیک

منظور از هویت ژئوپلیتیک این است که ایران به کدام یک از زیر سیستم‌های منطقه‌ای در خاورمیانه تعلق دارد. ویژگی‌های ژئوپلیتیک، سیاسی - امنیتی و تاریخی - فرهنگی ایران به گونه‌ای است که می تواند آن را به مناطق مختلف و زیر سیستم‌های مختلف هویتی - سیاسی در سطوح منطقه وصل کند. از این لحاظ ایران نقطه‌ای اتصال مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب است. هر کدام از این زیر سیستم‌ها به نوعی پارادایم‌هایی را از لحاظ سیاسی - امنیتی و توسعه در سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار می دهند. اگر ایران به آسیای جنوبی و شرق متصل شود به نوعی به پارادایم‌های "امنیت"، "انرژی" و "توسعه" متصل می گردد. از لحاظ فرهنگی و تاریخی نیز چنین زیر سیستمی در مفهوم هویتی - ژئوپلیتیک "آریانای بزرگ" قرار می گیرد که از تاجیکستان تا مالدیو در خط شمالی - جنوبی و از برمه تا ایران در خط شرقی - غربی آسیا ادامه می‌یابد. ایران بخش مهمی از این هویت فرهنگی است. از طریق پاکستان و هند و سپس چین، ایران به امنیت انرژی در مناطق شرقی و آسیایی و از طریق افغانستان، به مسایل امنیتی این زیر

سیستم متصل می شود. امروزه این دو مسئله بخش مهمی از امنیت منطقه‌ای و به تبع امنیت جهانی می باشند. همین هویت ژئوپلتیک ایران در مورد آسیای مرکزی و قفقاز و ترکیه و همچنین خلیج فارس، عراق و جهان عرب نیز صادق است که به ایران اهمیت ویژه‌ای در تقویت منطقه‌گرایی و اتصال به زیر سیستم های مختلف می‌دهد. در واقع ایران می تواند نقطه اتصال اصلی در منطقه‌ی جغرافیایی و هویتی خاورمیانه بزرگ باشد.

تعیین هویت ژئوپلتیک، یکی از موضوعات مهم سیاست و حکومت در منطقه خاورمیانه است. در طول دهه های گذشته حکومت‌های مختلف در درون منطقه از هویت ژئوپلتیک برای حفظ موقعیت قدرت و مشروعیت خود در نزد ملت‌ها و در روابط با قدرت‌های بزرگ استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه، پاکستان همواره در تعیین هویت ژئوپلتیک خود دچار گرفتاری بوده است. در حالیکه ملت پاکستان، الیت فرهنگی و روشنفکران آن با نگاه توسعه‌ای سعی در اتصال پاکستان به هویت فرهنگی - سیاسی آسیای جنوبی و انرژی و توسعه اقتصادی داشته‌اند. در مقابل الیت اجرایی و حکومت های پاکستان سعی دارند خود را به هویت خاورمیانه‌ای و جهان اسلام متصل کنند.<sup>۱۵</sup> یکی از دلایل مهم این امر، مربوط به اهمیت یافتن پاکستان در نزد آمریکا با مسایلی از قبیل مبارزه با تروریسم القاعده‌ای و جلوگیری از رشد اسلام‌گرایی در این کشور و نهایتاً ایجاد امنیت برای تسلیحات اتمی پاکستان است. در طول دهه‌های گذشته حکومت‌های پاکستان از این طریق توانسته اند تا کمک های مالی میلیاردی از آمریکا دریافت کنند، منابعی که بیشتر صرف حفظ حکومت های پاکستان شده تا اینکه در جهت توسعه اقتصادی پاکستان به کار گرفته شوند.<sup>۱۶</sup> مسئله تعیین هویت ژئوپلتیکی در مورد سایر کشورهای منطقه از جمله افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، ترکیه و عراق نیز وجود دارد.

در مورد ایران، مسئله‌ی هویت ژئوپلتیک کمی متفاوت است. چون منطقه به نوعی بخشی از حوزه‌ی تمدنی ایران بوده و ایران دارای نفوذ تاریخی - فرهنگی و سیاسی زیادی در منطقه است لذا اتصال به هر یک از این زیر سیستم‌ها در شرایط خاص سیاسی - امنیتی و فرهنگی راحت‌تر صورت می‌گیرد. بعضی از دیدگاه‌های داخل ایران معتقد به تغییر در تمرکز منطقه‌ای روابط خارجی ایران از غرب (خاورمیانه عربی) به شرق در هر دو امتداد آن یعنی شبه قاره هند و آسیای مرکزی می باشند که به نوعی راهگشای بن بست های سیاست خارجی ایران بعد از تحولات جدید در منطقه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و بحران ۲۰۰۳ عراق می باشد و می تواند جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران را افزایش دهد.<sup>۱۷</sup>

به اعتقاد نویسنده بهترین راه برای ایران ایجاد " تعادل " بین همه‌ی این زیر سیستم‌ها و ایفای نقش متصل کننده میان این مناطق می باشد. ایران ضمن اینکه با رویکردهای توسعه اقتصادی و گسترش روابط فرهنگی - تاریخی با همسایگان به هویت انرژی، امنیت و توسعه در آسیای جنوبی، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز وصل می شود در عین حال باید به مسایل امنیتی - سیاسی در خاورمیانه عربی (عراق و خلیج فارس) متصل شود که دارای اهمیت فوق العاده‌ای برای نظام جهانی و آمریکا می باشند. از این لحاظ، تمرکز بر منطقه‌گرایی در سیاست خارجی می تواند جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران را به عنوان نقطه اتصال مهمترین تم‌ها و موضوعات منطقه‌ای افزایش دهد.

این مؤلفه همواره در سیاست خارجی ایران از گذشته به نوعی مطرح بوده است. بعضی از دیدگاه‌ها معتقدند که حتی رژیم گذشته، علی‌رغم عدم اعتقاد به استفاده از ابزار ایدئولوژیک در پیشبرد سیاست خارجی به نوعی از ابزار شیعی برای افزایش نفوذ در منطقه استفاده کرده است.<sup>۱۸</sup> اما بعد از بحران عراق در سال ۲۰۰۳ و همزمان با ورود عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست خاورمیانه موضوع به کارگیری این مؤلفه در سیاست خارجی ایران به طور جدی مطرح شده و این امر منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در مسایل سیاسی - امنیتی منطقه از جمله حضور فعال و سرنوشت ساز در مسایل عراق، لبنان و به طور کلی خاور نزدیک شده است. مؤلفه‌ی شیعی می‌تواند به عنوان یک مؤلفه‌ی قدرت ملی ایران در چارچوب تقویت منطقه‌گرایی مورد استفاده قرار گیرد. البته زمانی که بتوان از این مؤلفه در خدمت منافع ملی کشور بهره گرفت نه صرفاً برای اهداف کوتاه مدت و گذرا و در شرایط ناامنی در منطقه، بلکه برای تقویت این مؤلفه در سطح روابط دولت‌ها در منطقه که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از آن طریق، ضمن تأثیرگذاری بر مسایل سیاسی - امنیتی و افزایش نقش منطقه‌ای، در روابط با آمریکا نیز از قدرت بازیگری برخوردار گردد.

بهره‌برداری از عنصر شیعی در تنظیم سیاست خارجی ایران با عراق یک نمونه است. تقویت عنصر شیعی در ساخت قدرت عراق؛ نقش مؤثری در رفع تهدیدات فوری امنیتی آمریکا در طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ داشته است.<sup>۱۹</sup> همچنین تقویت عنصر شیعی در ساخت قدرت عراق و تبدیل عراق به یک کشور دوست و متحد ایران در منطقه ضمن جلوگیری از تهدیدات آینده می‌تواند نقش مهمی در تقویت جایگاه ایران در ترتیبات سیاسی - امنیتی خلیج فارس و در روابط با آمریکا و سایر کشورهای حوزه جهان عرب داشته باشد. از این لحاظ تقویت این مؤلفه می‌تواند در چارچوب مسائل منطقه‌ای، جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران را افزایش دهد؛ اصلی که منوط تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران را توجیه می‌کند.

### ۳. ضرورت تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران

ماهیت نظام بین‌الملل در دنیای امروز به گونه‌ای است که به همان اندازه که دامنه‌های نقش و نفوذ و منافع ملی قدرت‌ها در دنیا افزایش می‌یابد به همان اندازه نیز ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف‌ها و تمرکز بر منطقه‌گرایی نیز گسترش می‌یابد. به عنوان نمونه حضور آمریکا در مناطق مختلف جهان زمانی اتفاق افتاد که منافع آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یک ابرقدرت در مناطق مختلف جهان گسترش یافت و به تبع نیاز به شناخت ملت‌ها و ائتلاف با دولت‌های جهان در مناطق مختلف یک امر اجتناب‌ناپذیر گردید. در سال ۲۰۰۹ نیز همزمان با شکست استراتژی بوش در

ایجاد یک دنیای تک قطبی به رهبری آمریکا، دولت اوباما استراتژی جدید آمریکا را مبتنی بر ایجاد همکاری و ائتلاف با دولت‌ها و ملت‌های دوست و رقیب برای حل مسائل جهانی و منطقه‌ای و به عبارت دیگر تمرکز بر نوعی منطقه‌گرایی قرار داده است.

مثال دیگر، تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه در قالب تفکر "عثمانی‌گرایی جدید" است. این استراتژی از اهرم‌های مهم ترکیه در ایجاد تعادل با قدرت‌های بزرگ، آمریکا و اتحادیه اروپا و استفاده از ظرفیت‌های هویت ژئوپلیتیک این کشور در جهت افزایش بازیگری منطقه‌ای و جهانی این کشور می‌باشد. حاکمان اسلام‌گرای ترکیه در حزب "عدالت و توسعه"<sup>۲۰</sup>، دسترسی به اهداف استراتژیک سیاست خارجی ترکیه از جمله پیوستن به اتحادیه اروپا را منوط به تقویت نگاه به شرق و تکیه بر هویت شرقی - اسلامی و همچنین اتخاذ استراتژی‌های مستقل در روابط با آمریکا می‌دانند. از این دیدگاه، با تقویت و گسترش روابط با ایران، روسیه و کشورهای جهان عرب، و تکیه بر نقش میانجی‌گرانه در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای در عراق، لبنان و فلسطین، ترکیه قادر به افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی خود خواهد بود.<sup>۲۱</sup> بعضی از استراتژیست‌های ترکیه حتی صحبت از افزایش "قدرت نرم" ترکیه در منطقه‌ی خاورمیانه می‌کنند و موفقیت جدید ترکیه را در تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی این کشور در نظر می‌گیرند.<sup>۲۲</sup>

ایران نیز به دلیل ژئوپلیتیک حساس خود از جمله قرارگرفتن در بین بحران‌های منطقه‌ای عراق و افغانستان و همچنین ماهیت مسایل سیاسی - امنیتی که با آن‌ها روبرو است، از جمله برنامه هسته‌ای، به نوعی با مسایل نظام امنیت بین‌الملل در ارتباط مستقیم است. گسترش نقش و دامنه‌های منافع سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی با نیاز به تعامل و شناخت بیشتر از مناطق مختلف جهان به خصوص منطقه خاورمیانه و محیط اطراف ایران افزایش یافته است. حضور فعال ایران در مناطق مختلف جهان تا جایی که با اهداف اقتصادی و سیاسی - امنیتی و استراتژیک ایران هماهنگ باشد به نفع یک قدرت در حال رشد مانند ایران است. منطق روابط بین‌الملل در دنیای امروز به گونه‌ای است که وجود تعامل، ائتلاف و اتحاد را یک امر ضروری می‌سازد. دستیابی به چنین امری بدون یک سیاست خارجی فعال امکان‌پذیر نیست. از آنجا که مسایل ایران با مسایل جهانی در ارتباط هستند، تقویت منطقه‌گرایی و افزایش دامنه‌های نقش و نفوذ ایران می‌تواند در خدمت اهداف توسعه‌ای و رفع تهدیدات امنیتی کشور قرارگیرد.

نکته مهم دیگر مفهوم "تعادل" بین "منطقه‌گرایی" و "جهان‌گرایی" (تمایل به غرب) در سیاست خارجی ایران است. ایران همواره با چالش انتخاب میان این دو مفهوم، در سیاست خارجی خود مواجه بوده است. تقویت منطقه‌گرایی به معنای افزایش تعاملات با کشورهای منطقه به خصوص همسایگان مسلمان و کشورهای جهان عرب بوده است. بعضی از دیدگاه‌ها تقویت نگاه به شرق از جمله توسعه روابط با آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین چین و روسیه و به طور کلی آسیا را نیز در چارچوب تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران در نظر می‌گیرند. در این چارچوب دولت آقای احمدی‌نژاد حتی حضور فعال ایران در آمریکای جنوبی را نیز به نوعی تقویت نگاه به شرق و نوعی تمرکز بر منطقه‌گرایی در نظر می‌گیرد.<sup>۲۳</sup> در مقابل منطقه‌گرایی دیدگاه جهان‌گرایی در سیاست خارجی ایران قرار دارد که اساساً ارتباط با

غرب را یک ضرورت و محور یک سیاست خارجی عمل گرا در نظر می گیرد. از این دیدگاه غرب (آمریکا) تولید کننده اصلی ثروت و قدرت در جهان است و ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی نوظهور نیاز به تعامل با آمریکا برای دستیابی به نقش‌های مهم سیاسی - امنیتی در منطقه و در جهان و همچنین تکنولوژی و سرمایه‌های غربی برای توسعه اقتصادی در حال رشد خود دارد.

اما از نظر نویسنده، ایجاد تعادل میان این دو رویکرد و با تمرکز بر منطقه‌گرایی می‌تواند منافع و امنیت ملی ایران را بهتر تأمین کند. به عنوان یک واقعیت، اهمیت جهانی ایران وابسته به اهمیت مسائل منطقه‌ای است که ایران در آن یک بازیگر اصلی است. هر چند ایران قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر و در دوران جنگ سرد حائز اهمیت بود، اما افزایش نقش و نفوذ ایران بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و بحران عراق در سال ۲۰۰۳ قابل مقایسه با دوران قبل نیست. افزایش اهمیت نقش ایران به دلیل قرار گرفتن ایران در یک محیط سیاسی - امنیتی است که برای نظام جهانی حائز اهمیت حیاتی است. مبارزه با تروریسم القاعده و جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی (WMD) و حل بحران‌های منطقه‌ای در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین، مسائلی هستند که در حال حاضر سرتیترهای اصلی امنیت بین الملل می‌باشند.<sup>۲۴</sup> جمهوری اسلامی ایران در تمامی مسائل مهمی که مربوط به منطقه می‌باشند اثرگذار است. اساساً بازیگری بالای ایران در مسائل خاورمیانه و همچنین برنامه هسته‌ای ایران و تصمیم به حفظ "چرخه‌ی مستقل سوخت هسته‌ای" زمینه‌ی گفتگوهای استراتژیک ایران و آمریکا و مذاکرات احتمالی بین دو طرف از موضع برابر سیاسی در منطقه را فراهم کرده است.

بعضی از دیدگاه‌ها در ایران که می‌توان از آن به عنوان "منطقه‌گرایی سنتی" یاد کرد، معتقدند که حضور بیش از اندازه ایران در مسایل خاورمیانه به خصوص مسایل جهان عرب از جمله مسئله فلسطین و لبنان تنش‌زا بوده و هزینه‌های جدی سیاسی در روابط ایران با کشورهای منطقه و جهان غرب به خصوص آمریکا دارد. لذا ایران نباید بیش از اندازه بر منطقه‌گرایی تأکید کند. محور دیدگاه فوق، تقویت رویکرد "توسعه‌ای" در سیاست خارجی، با تأکید بر ژئوپلیتیک حساس ایران است که همزمان فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را برای منافع ملی ایران به همراه می‌آورد. براین اساس بهتر است که ایران تنها حضور فعال در محیط فوری امنیتی خود در سطح همسایگان داشته باشد. در مقابل، "منطقه‌گرایی جدید" با رویکردی "سیاسی - امنیتی" قرار دارد که معتقد است ایران می‌بایستی، علاوه بر حضور فعال در مناطق فوری امنیتی خود، در مناطق غیر فوری امنیتی خود از جمله خاور نزدیک (لبنان - فلسطین) نیز حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشد و از دامنه‌های نقش و نفوذ خود برای رفع تهدیدات امنیتی ناشی از آمریکا و اسرائیل و همچنین حفظ منافع استراتژیک خود در منطقه و در ارتباط با قدرت‌های بزرگ استفاده کند.<sup>۲۵</sup> به عبارت دیگر به نوعی بین توسعه‌ی اقتصادی، امنیت و منافع ملی خود تعادل ایجاد کند.

از نظر نویسنده، تمرکز بر منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران باید مبتنی بر حفظ تعادل بین منطقه‌گرایی سنتی و منطقه‌گرایی جدید باشد. ایران به عنوان یک قدرت در حال ظهور جهانی (همانند ترکیه و هند) نیاز به یک سیاست خارجی فعال مبتنی بر ائتلاف‌ها و اتحادها در مناطق مختلف جهان به خصوص منطقه خاورمیانه دارد. از سوی دیگر، یک قدرت

مدعی منطقه ای و جهانی نیازمند توسعه‌ی اقتصادی و تمرکز بر رویکردهای همگرایانه با اقتصاد منطقه ای و جهانی است. بنابراین ویژگی یک سیاست خارجی فعال توجه همزمان به رویکردهای امنیتی - سیاسی و توسعه ای در مناطق اطراف است. تردیدی نیست که از میان مناطق مهم اطراف ایران درخاورمیانه، منطقه خلیج فارس حائز اهمیت حیاتی برای توسعه، امنیت و منافع ملی ایران است و باید در رأس فعالیت‌های سیاست خارجی ایران قرار گیرد. خلیج فارس راه اصلی ارتباطی ایران به جهان آزاد، صدور انرژی و واردات کالا و نهایتاً امنیت انرژی و نقطه اتصال به آسیای جنوبی و شرقی است. از سوی دیگر حضور فعال در مسائل سیاسی - امنیتی خلیج فارس، عراق و جهان عرب به ایران قدرت بازیگری بالا در مسائل منطقه ای و در روابط با قدرت های بزرگ می دهد.

### نتیجه گیری

در این پژوهش زمینه های مفهومی - تاریخی و نظری منطقه گرایی و دیدگاه های منتقدان به تقویت منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران بحث گردید. وجوه مشترک تمامی دیدگاه های منتقد موجود در این زمینه عمدتاً بر محور ناهماهنگی موجود میان ایران و همسایگان در منطقه در زمینه‌هایی همچون ساخت قدرت و سیاست، شکاف‌های فرهنگی اجتماعی و مذهبی، سیستم های حکومتی متفاوت، ناهماهنگی در میزان و توانایی‌های توسعه‌یافتگی، دیدگاه‌های متفاوت در مورد تهدیدات امنیتی و ریشه‌های ناامنی در سطح ملی و منطقه‌ای و نهایتاً نوع روابط با قدرت‌های بزرگ غربی به خصوص آمریکا و میزان حضور این کشور در منطقه می‌باشد. از نظر این دیدگاه‌ها در طی دهه‌های گذشته، طرز تفکر متفاوت در نزد جمهوری اسلامی و کشورهای منطقه به خصوص جهان عرب به نوعی مانع جدی در تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران بوده و به دلیل ساختاری بودن این ویژگی‌ها این مسئله در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

منطق چنین بحث هایی درست است. اما تداوم تأثیرگذاری چنین طرز تفکری در حوزه‌ی سیاستگذاری خارجی، سیاست خارجی ایران را منفعل و به تبع جایگاه منطقه ای و جهانی آن را ضعیف می کند. خاورمیانه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر در حال گذار به نظم جدید سیاسی - امنیتی است که در آن هریک از بازیگران مهم منطقه ای تلاش برای تثبیت نقش‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی خود دارند. ایران نیز یک قدرت نوظهور منطقه‌ای و جهانی است. مسائل ایران از جمله ژئوپلیتیک حساس و برنامه‌ی هسته‌ای آن ضمن اینکه اهمیت ایران را در نظام منطقه ای و جهانی افزایش می دهند به همان اندازه بر تهدیدات و آسیب پذیری ملی و امنیتی ایران می افزاید. تثبیت دامنه‌های نفوذ اقتصادی در منطقه برای تحقق اهداف چشم انداز ۲۰ ساله و همچنین پیشگیری از تهدیدات امنیتی آینده در منطقه نیازمند تمرکز بر منطقه گرایی و اتخاذ یک سیاست خارجی فعال است که همزمان رویکردهای " توسعه ای " و " سیاسی - امنیتی " را در خود لحاظ کند. تجربه نشان می دهد که هر قدرت در حال ظهور در جهان امروز به ناچار نگاه منطقه گرایی و حرکت به سوی اتحادها و ائتلاف ها را در سیاست خارجی خود الویت داده است. مؤلفه های قدرت ملی ایران از جمله، برخورداری از یک دولت ملی قوی،

موقعیت ژئوپلیتیک و عنصر ایدئولوژی به گونه ای است که به ایران نقش ممتازی در مسائل منطقه ای می دهد . ارزش استراتژیک ایران از طریق متصل شدن به مسائلی در منطقه خاورمیانه است که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر با نظام امنیت بین الملل ارتباط مستقیم یافته اند . تمرکز بر منطقه گرایی درسیاست خارجی ایران به نفع امنیت و منافع ملی ایران در بلند مدت می باشد.

پانویس :

---

<sup>1</sup> - R. K. Ramazani , " Ideology and Pragmatism in Iran's Foreign Policy " , *The Middle East Journal* 58 , No . 4, Fall 2004, P . 550.

<sup>۲</sup> - بنگرید به چنگیز پهلوان ، درجست و جوی ساختارهای نوین منطقه ای ، مجله گفتگو ، فروردین ۷۳ ، ویژه ایرانی بودن ، ص ص ۲۹ و ۳۲ .

<sup>3</sup> - Graham Fuller , *The Center of the Universe* : the Geopolitics of Iran , Westview Press : Oxford , 1991 , pp. 50 and 62.

<sup>4</sup> -See Kayhan Barzegar , " Twelve Years after the Disintegration of the Soviet Union , " *Discourse : An Iranian Quarterly* , Vol. 5, No .1 , Summer 2003 .

<sup>۵</sup> - کیهان برزگر ، " تضاد نقش ها : بررسی ریشه های منازعه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر " ، راهبرد ، شماره ۳۹ ، بهار ۱۳۸۵ .

<sup>۶</sup> - محمود سریع القلم ، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران : بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف ، تهران ، مرکز تحقیقات استراتژیک ، ۱۳۷۹ ، ص ۵۶ .

<sup>8</sup> - See Hooman Peimani , *Iran and the United States : The Rise of WEST Asian Grouping* , Westport, CT: Praeger Publishers, 1999.

<sup>۹</sup> - سریع القلم ، همان ، ص ۱۵۶ .

<sup>۱۰</sup> - همان ، ص ۳۳ .

<sup>۱۱</sup> - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به : محمود سریع القلم ، " *ایران و جهانی شدن* " ، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ، ۱۳۸۴ .

<sup>۱۲</sup> - Ahmad Naghibzadeh , " Rectification of Iran's Foreign Policy Shortcomings during Khatami's Presidency , " *Discourse : An Iranian Quarterly*, Vol. 3, No. 3, Winter 2002 , PP. 85-100.

همچنین بنگرید به : احمد نقیب زاده ، " *بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام منطقه ای* " فصلنامه مطالعات خاورمیانه ، سال سوم، شماره یک ، زمستان ۱۳۷۵ .

<sup>۱۳</sup> - Ahmad Naghibzadeh , Op. cit.

<sup>۱۴</sup> - برای آگاهی از ریشه های افزایش نقش منطقه ای ایران ، بنگرید به : کیهان برزگر ، " *ایران ، خاورمیانه و امنیت بین الملل* " ، *مجله سیاست خارجی* ، سال بیست و دوم ، شماره ۳ ، پاییز ۱۳۸۷ ، صص ۶۵۴-۶۵۵ .

<sup>۱۵</sup> - Husain Haqqani , "The Role of Islam in Pakistan's Future, " *The Washington Quarterly* , 28:1 , Winter 2004 – 05 , PP. 88 and 91-92 .

<sup>۱۶</sup> - Ibid., PP. 93 – 94.

<sup>۱۷</sup> - سعید تائب، *الزام در تغییر تمرکز جغرافیایی سیاست خارجی ایران*، (چکیده مقالات نخستین همایش مطالعات منطقه ای)، دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۸۸ .

<sup>۱۸</sup> - گراهام فولر و رحیم فرانکه ، *شیعیان عرب ، مسلمانان فراموش شده* ، ترجمه خدیجه تبریزی ، تهران - قم : انتشارات مرکز شیعه شناسی ، ۱۳۸۴ ، صص ۱۷۱-۱۷۲ .

<sup>۱۹</sup> - برای آگاهی بیشتر از اهداف و استراتژی های سیاست خارجی ایران در عراق ، بنگرید به : Kayhan Barzegar , "Iran's Foreign Policy in Post-Invasion Iraq , " *Middle East Policy* , Vol . Xv , No . H, Winter 2008.

<sup>۲۰</sup> - Justice and Development Party (AKP).

<sup>۲۱</sup> -Owen Matthews and Christopher Dickey , "Triumph of the Turks " *Newsweek* , DECEMBER 7 , 2009.

<sup>۲۲</sup> - -Bulent Aras , " Turkey's Soft Power, " *guardian . co . uk* , 14 April 2009 .

<sup>۲۳</sup> - Manochehr Mottaki , "Iran's Foreign Policy under President Ahmadinejad , " *Discourse: An Iranian Quarterly*, Vol. 8, No. 2, Winter 2009, pp. 7-8 .

<sup>۲۴</sup> - کیهان برزگر ، " *ایران ، خاورمیانه و امنیت بین الملل* " ، همان ، ص ۶۵۴ .

---

۲۰ - این طرز تفکر بیشتر در " شورای امنیت ملی ایران " رایج است که وظیفه اصلی حفظ امنیت جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد. علی لاریجانی، دبیر سابق شورای امنیت ملی، از جمله طرفداران این مکتب فکری است. ایده ی ورود به مذاکرات مستقیم با آمریکا در مسائل سیاسی - امنیتی عراق، به نوعی برگرفته از این نوع طرز تفکر است که به طور اساسی خواهان حل مسائل راهبردی سیاسی - امنیتی ایران از راه تاکید بر نقش و اهمیت منطقه ای ایران است .